

*Linguistic Policy-Making and the Position of Persian
Language in the Language Policies
of the Islamic Republic of Iran*

Abolfazl Raiabi *
Shoja Ahmadvand **


E-mail: Rajabiabolfazl021@gmail.com
E-mail: Shojaahmadvand@gmail.com

Received: 2021-04-16

Revised: 2022-03-13

Accepted: 2022-03-15

Doi: [10.22034/rjnsq.2022.280562.1263](https://doi.org/10.22034/rjnsq.2022.280562.1263)

 [20.1001.1.1735059.1401.23.89.8.7](https://orcid.org/20.1001.1.1735059.1401.23.89.8.7)

Abstract:

Persian language, as the national language of the Iranian people, has a major role in the connection of their past, present and future and this is a proof for historical and political role of the language. But nowadays Persian language is facing challenges and difficulties which, if not diagnosed and solved, will damage national identity and continuity of national traditions. Thus, preservation and expansion of Persian language as one of the most important components of national identity has always been considered by Iranian politicians and also in major documents of the Islamic Republic of Iran including constitution, document of future perspective, development plan law and comprehensive scientific documents etc. and policies have been provided to achieve that. But despite of design and implementation of policies regarded to this issue, implementation of the policies has faced shortcomings and thus failed to achieve satisfying results. Therefore, this article aims to indicate failure factors of implementation of these policies based on fifth development plan experiences, by asking this question that how the approach and implementation of fifth development plan led to loss of satisfying results in implementation of language policies. The method used in this article is thematic analysis which is one of qualitative methods and its data is obtained from library and documentary data. The final result of this research is that the issues and problems facing the Persian language are malignant political issues, also the method of implementing policies related to the Persian language has been based on an authoritarian approach, which has led to the failure of national language policy to achieve its goals.

Keywords: Public Policy, Persian Language, National Language, Malignant Issues.

* M.A. in Political Science, Faculty of Law and Political Science, Allameh Tabataba'i University (Corresponding Author).

** Associate Professor of Political Science, Faculty of Law and Political Science, Allameh Tabataba'i University.

سیاست‌گذاری زبانی و جایگاه زبان فارسی در سیاست‌های زبانی جمهوری اسلامی ایران

نوع مقاله: پژوهشی

ابوالفضل رجبی*

E-mail: Rajabiabolfazl021@gmail.com

شجاع احمدوند**

E-mail: Shojaahmadvand@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۱/۲۷ تاریخ بازنگری: ۱۴۰۰/۱۲/۲۲ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۱۲/۲۴

چکیده

فارسی در جایگاه زبان ملی نقش برجسته‌ای در پیوند گذشته، حال و آینده‌ی ایرانیان دارد و این امر گواه نقشی تاریخی و سیاسی برای این زبان است؛ اما زبان فارسی امروزه با مشکلات و چالش‌هایی روبه‌رو است که اگر به‌درستی شناسایی و چاره‌جویی نشوند، سبب خدشه‌دار شدن هویت ملی و ضربه به تداوم سنت ملی ایرانیان خواهد شد. از این‌رو است که مسئله‌ی حفظ و گسترش زبان فارسی به‌عنوان یکی از مهم‌ترین مؤلفه‌های هویت ملی در شماری از مهم‌ترین اسناد بالادستی از جمله قانون اساسی، سند چشم‌انداز، قانون‌های برنامه توسعه، سند جامع علمی کشور و... مورد توجه قرار گرفته و سیاست‌هایی برای نیل به آن تدارک دیده شده است؛ اما با وجود طراحی و تدوین سیاست‌های چندی در این زمینه، اجرای این سیاست‌ها در رسیدن به اهداف خود با کاستی‌هایی مواجه و در کسب نتایج رضایت‌بخش ناتوان بوده‌اند. بدین‌سان هدف این مقاله از طریق این پرسش که رویکرد و نحوه‌ی اجرای خط‌مشی‌های مرتبط با زبان فارسی چه تأثیری بر عدم کسب نتایج رضایت‌بخش و ناکامی سیاست‌های زبانی داشته است، نشان دادن عوامل ناکامی اجرای این سیاست‌ها مبتنی بر تجربیات برنامه پنجم توسعه است. روش مورد استفاده در این مقاله که داده‌های آن از منابع اسنادی و کتابخانه‌ای جمع‌آوری گردیده است، روش تحلیل مضمون است. نتیجه نهایی این پژوهش این است که مسائل و مشکلات پیش‌روی زبان فارسی از جنس مسائل بدخیم هستند، همچنین شیوه‌ی اجرای سیاست‌های مربوط به زبان فارسی بر رویکردی دستوری استوار بوده‌اند که همین امر منجر به ناکامی سیاست‌گذاری زبان ملی در نیل به اهداف خود گردیده است.

کلیدواژه‌ها: سیاست‌گذاری عمومی، زبان فارسی، زبان ملی، مسائل بدخیم.

* دانش‌آموخته کارشناسی ارشد علوم سیاسی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه علامه طباطبایی (نویسنده مسئول).
** دانشیار علوم سیاسی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه علامه طباطبایی.



۱- مقدمه و بیان مسئله

زبان فارسی در زمره مهم‌ترین مؤلفه‌های سنت و هویت ملی ایران قرار دارد. زبان فارسی در طول تاریخ ایران، گاه در جایگاه زبان دیوانی و گاه در جایگاه انتقال‌دهنده جهان‌بینی، منش و اندیشه ایرانی، در سخن شاعران و فرزانه‌گانی چون فردوسی، حافظ، ابن مقفع، سعدی، سهروردی و... حلقه‌ی پیونددهنده هویت فرهنگی و ملی همه مردم ایران به یکدیگر بوده و همچنان نیز از عوامل مهم وحدت ملی ایرانیان به شمار می‌رود. احمد اشرف در کتاب «هویت ایرانی» عواملی چون سرزمین، دولت و تابعیت، زبان و سنت‌های مشترک، دین، اقتصاد و... را به‌تنهایی ملاک عامی برای تعریف هویت ملی نمی‌داند و معتقد است در هر دوره‌ی تاریخی یکی از این عوامل نقش پررنگ‌تری ایفا کرده است (اشرف، ۱۳۹۵: ۲۱). بر همین مبنا، نگارندگان نقش زبان فارسی را از عناصر وحدت‌بخش پررنگ و مهم در تاریخ ایران‌زمین می‌داند. دوران میانه اسلامی نیز تهی از هستی زبان فارسی در سپهر سیاسی ایران نیست و با پدیدآمدن شاهنشاهی صفوی، زبان فارسی در کنار آیین تشیع دو گفتمان بنیادین سیاسی ایران را در برابر زبان ترکی و آیین سنی امپراتوری عثمانی شکل می‌داده است که این امر به‌گونه‌ای تا امروز نیز پیوسته بوده است. شگفت نیست زبانی که آینه تمام‌نمای اوضاع و احوال فرهنگی و اجتماعی ایران در دوره‌های گوناگون بوده است؛ امروز نیز زبان دیوان و دولت و نماینده هویت ملی ایران در عصر دولت-ملت‌ها باشد. از همین جاست که پیوند سیاست و زبان فارسی خود را نمایان می‌سازد؛ چراکه اندیشه دولت‌داری در ایران برای حفظ و تداوم خود‌گزیری جز حفظ و گسترش یکی از مهم‌ترین شناسه‌های هویت ملی خود ندارد؛ اما فارسی، امروزه به پاره‌ای از مسائل دچار گشته و در این نبرد دچار فرسایش شده است و اگر چاره‌ای بر آن نرود، بیم آن می‌رود که: «این زبان شگرف و بی‌مانند به خاموشی و فراموشی بگراید؛ در آن زمان است که یکی از بزرگ‌ترین و درخشانگیزترین فاجعه‌های فرهنگی جهان رخ خواهد داد» (کزازی، دانشیار، ۱۳۸۶: پیشگفتار).

خاموشی زبان فارسی همان خطری است که نمونه‌ی آن را در گسست سیاسی سرزمین‌هایی که در روزگاری نه‌چندان دور جزئی از ایران بودند شاهد بودیم. زبان فارسی در آن سرزمین‌ها به دست دولت‌های تازه استقلال‌یافته که قوم‌گرایی را تشویق می‌کردند، سرکوب شد و نتیجه این شد که بخش بزرگی از مردم حوزه‌ی تمدنی ایران‌زمین امروز از خواندن، نوشتن و گفتن به زبان معیار هزارساله‌ی گذشته‌شان که فارسی دری باشد، ناتوان شدند.

شماری از واژگان بیگانه که خاستگاه بیشترشان زبان‌های انگلیسی، فرانسوی و... است، زبان فارسی را در محاصره خود گرفته‌اند و استفاده‌ی بی‌پروا از آنان بیم این را افزایش می‌دهد که این واژه‌ها به مهمانانی خوش‌نشین بدل شوند و کاربرد فراوان آن‌ها دایره‌ی واژگان ایرانیان را مخدوش سازد و زبان فارسی به زبانی وابسته تبدیل شود. شاید توده‌ی مردم این واژگان و عبارتها را به صورت عامیانه و از روی ناآگاهی استفاده می‌کنند و نسبت به پیامدهای این امر آگاهی نداشته باشند اما پافشاری برخی از افراد که خود را در جایگاه خواص می‌پندارند بر کاربرد ناشایست و بی‌مورد واژگان بیگانه برای نشان دادن روزآمد بودن و اعتبار علمی خود سبب می‌شود تا این باور در ذهن عموم شکل بگیرد که زبان فارسی در برقراری ارتباط، ارائه مفهوم‌های علمی و تخصصی و انطباق با جهان امروز ناتوان است و ما ناگزیر به استفاده از واژگان خارجی در زبان خود هستیم. کاربرد ناشایست و ام‌واژه‌ها تنها بهره بردن از یک واژه به جای واژه‌ای دیگر نیست؛ چراکه این جایگزینی‌های به ظاهر ساده به فراموشی واژه‌های فارسی می‌انجامد و در این وضع ما یک واژه را با همه‌ی ظرفیت‌هایش از دست می‌دهیم و همین باعث به فراموشی سپرده شدن زبان فارسی در آینده خواهد شد و از آنجایی که زبان آیینی ارزش‌ها و باورهای یک فرهنگ است، ضعف و عقب‌نشینی زبان فارسی استحاله فرهنگ ایرانی و به حاشیه رفتن آن را در پی خواهد داشت (محمدنژاد، ۱۳۹۴: ۹۱).

هرچند مسئله پاسداشت و گسترش زبان فارسی دست‌کم در حوزه نظری یکی از دغدغه‌های سیاست‌گذاران و برنامه‌نویسان در دهه‌های اخیر بوده است و در شماری از مهم‌ترین اسناد بالادستی سیاست‌هایی به‌منظور چیرگی بر مشکلات این‌چنینی پیش روی زبان فارسی تدوین شده است؛ اما کندوکاوی در وضعیت امروزی زبان فارسی و چالش‌های پیش‌روی این زبان بیان‌گر ناکامی اجرا و ناتوانی این سیاست‌ها در رسیدن به اهداف خود است. با هدف فهم بهتر و توضیح چرایی ناکامی سیاست‌گذاری زبان ملی در ایران، مقاله‌ی پیش‌رو می‌کوشد تا ابتدا با اتکا به رهیافت مسائل بدخیم، چشم‌انداز جدیدی از چالش‌های پیش‌روی زبان فارسی در مقابل دیدگاه خوانندگان بگشاید و سپس به این پرسش پاسخ دهد که رویکرد و نحوه‌ی اجرای خط‌مشی‌های مرتبط با زبان فارسی در اسناد بالادستی چه تأثیری بر عدم کسب نتایج رضایت‌بخش و ناکامی این سیاست‌ها داشته است؟



۲- پیشینه پژوهش

کتاب *گفتارهایی درباره هویت ملی در ایران* به اهتمام داوود میر محمدی؛ مجموعه‌ای گردآمده از مصاحبه با اندیشمندان حوزه‌های مختلف علوم اجتماعی و انسانی است که به ابعاد مختلفی از مفهوم هویت ملی در ایران می‌پردازد. *گفتارهایی درباره زبان و هویت* کتابی به کوشش حسین گودرزی است که مانند کتاب قبلی مجموعه‌ای از چند مقاله از هفت نویسنده گوناگون را در خود جای داده است. *بنیادهای هویت ملی ایران* به خامه حمید احمدی اثری مهم و قابل توجه است که می‌تواند دریچه‌ی جدیدی را به سوی پژوهش‌های این‌چنینی باز کند. قدیر نصری در کتابی با عنوان *مبانی هویت ایرانی* که در بخش دوم آن به مسئله‌ی زبان فارسی و هویت ایرانی پرداخته است، زبان فارسی را نگهبان هویت ملی دانسته و معتقد است زبان فارسی با ایفای دو نقش بازآفرینی میراث ادبی و فرهنگی ایران (به معنای عامل ثبت میراث ادبی، تاریخی، اسطوره‌ای و دینی) و حضور اجتماعی (به معنای زبان تعاملات روزانه مردم) این وظیفه را بر عهده داشته است.

هویت ایرانی و زبان فارسی عنوان کتابی است که در اصل سخنرانی‌های شاهرخ مسکوب در ارتباط با زبان و فرهنگ ملی ایران است. این کتاب به دنبال تأیید این نظریه است که ایرانیان «ایرانیت» خود را با کمک زبان فارسی پاسداری کردند و با وجود پراکندگی سیاسی در واحدهای جغرافیایی متعدد پیوستگی تاریخ ملی خود را حفظ کرده و هر دوره به دوره بعدی انتقال داده‌اند. «نمادهای هویت ایرانی و زبان فارسی» مقاله‌ای است از نگار داوری اردکانی که نویسنده در این مقاله زبان فارسی را از مهم‌ترین مؤلفه‌های سازنده هویت ملی در ایران به شمار آورده و در نهایت خاطر نشان می‌سازد که با توجه به جایگاه زبان فارسی شایسته است تا برنامه‌ریزان زبان فارسی توجه بیشتری به برنامه‌ریزی برای آن داشته باشند.

همچنین، برخی از نویسندگان و متفکران بی‌آنکه کتاب *منحصربه‌فردی* در زمینه ارتباط هویت ملی و زبان فارسی نگاشته باشند؛ اما نشانه‌هایی از بحث ارتباط این دو در لابه‌لای آثارشان به چشم می‌خورد که شاید یاد کردن از آن‌ها در اینجا خالی از فایده نباشد. اصغر دادبه، معتقد است هویت سه ضلع دارد که عبارت است از: تاریخ و ادبیات، اسطوره و فلسفه و آن زمان که این عناصر با زبان ملی نوشته شوند، رنگی ملی به خود می‌گیرند. طباطبایی نیز معتقد است: «فارسی، در هر سه مرحله دگرگونی تاریخی آن، زبان «ملی» ایرانیان بوده است، اما این زبان هرگز به زبان‌های محلی

دیگر به زبان ملی تبدیل نشده است؛ همچنین: «در قیاس با کشورهای مهم دیگری که به تدریج به تصرف خلافت اسلامی درآمدند، مورد ایران، از این حیث که توانست تا تکوین بسیار متأخر زبان‌هایی مانند ترکی عثمانی و اردو، زبانی به‌جز عربی را به‌عنوان زبان «ملی» نگاه دارد، استثنایی به‌شمار می‌آید» (طباطبایی، ۱۳۹۸: ۱۵۶).

ازجمله پژوهش‌های انجام‌گرفته مرتبط با جستار سیاست‌گذاری عمومی در مورد زبان فارسی، مقاله «سیاست زبان در جمهوری اسلامی ایران: پیشنهادهای سیاستی در خصوص زبان و زبان‌آموزی» نوشته امیر ناظمی است. نویسنده در این مقاله آهنگ آن دارد تا سیاست‌های زبانی در ایران در خلال دوره‌های تاریخی پیش از جمهوری اسلامی را مرور نموده و سپس دغدغه‌های سیاست‌مداران درباره زبان فارسی در سال‌های اخیر را با آن دوران مقایسه نماید.

پژوهش دیگری در این باره، نوشتاری از بهرام امیر احمدیان با نام «زبان فارسی و کاربرد آن در همگرایی منطقه‌ای در جهان ایرانی» است که در مجله پژوهش‌های ایران‌شناسی منتشر شده است. در این پژوهش نگارنده افزون بر بررسی دگرگونی‌های تاریخی، گنجایش‌های زبان فارسی، حوزه گسترش زبان فارسی و جایگاه زبان فارسی در جهان امروز، مؤلفه‌های گوناگونی را که می‌تواند در کنار دیگر عناصر همبستگی ساز و یگانگی آفرین در گستره نفوذ زبان فارسی، برای همگرایی میان مردمان ایران زمین به کار گرفته شود بررسی کرده است. پژوهش دیگری که در این زمینه شایسته توجه است، مقاله مریم سیدان است که با نام «چند پیشنهاد سیاستی در زمینه زبان فارسی» منتشر شده است. وی در این مقاله، چالش‌های چندی از جمله، رواج نیافتن بسیاری از واژه‌های نوساخته، پراکندگی خط، دشواری‌های مربوط به گسترش زبان فارسی در جهان و اُفت مهارت‌های نگارشی ایرانیان، به‌ویژه جوانان را بررسی کرده است. به همین سبب، چند خط‌مشی در زمینه واژه‌گزینی، گسترش زبان فارسی، توانایی‌های نگارشی و دستور دبیره فارسی پیشنهاد داده است.

معمای نظریه عمومی برنامه‌ریزی اثری از ریتل و وبر، با تفکیک و مقایسه میان مسائل بدخیم و رام و مشخص کردن ویژگی‌های اساسی این دسته از مسائل در زمره نخستین آثاری است که در زمینه مسائل بدخیم مورد ارجاع دیگر نویسندگی در این زمینه قرار می‌گیرد. پیتر بالینت و همکاران (۲۰۱۱) نیز در کتابی با عنوان *مسائل بدخیم محیط زیستی، مدیریت، نا اطمینانی و منازعه* پس از بیان مفهوم مسائل بدخیم این چهارچوب را در زمینه مسائل یاد شده به کار گرفته و با پیشنهاد مدل تلفیقی و مشارکتی رفع چنین

مشکلاتی را دنبال می‌کنند. ترمیر و همکاران (۲۰۱۵) به ضرورت بازنگری در نگرش و ادراک و نحوه مقابله با مسائل بدخیم توجه کرده‌اند و در مقاله «قابلیت‌های حکمرانی برای مواجهه هوشمندانه با مسائل بدخیم» روش‌هایی را بدین منظور پیشنهاد کرده‌اند. «مفهوم مسائل بدخیم» به قلم محمد فاضلی در فصلنامه مطالعات راهبردی سیاست‌گذاری عمومی، ضمن تعریف مسائل بدخیم و بیان مختصات آن، لزوم توجه به چنین مسائلی را در حوزه سیاست‌گذاری یادآور شده است. دو مقاله‌ی دیگر از علی کریمی مله (یکی به‌تنهایی و دیگری با همکاران) است که در نخستین آن‌ها سیاست‌گذاری هویت ملی و الزامات راهبردی آن برای ایران و در دومین مقاله مسائل بدخیم و لزوم بازنگری راهبردی در الگوهای سنتی روابط دولت - ملت در ایران مورد بررسی قرار گرفته‌اند.

۳- روش پژوهش

روش این پژوهش کیفی و از نوع تحلیل مضمون است. اطلاعات موردنظر از طریق گردآوری و مطالعه سیزده سند بالادستی منتشرشده از سوی مجلس شورای اسلامی، شورای عالی انقلاب فرهنگی و وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی مورد واکاوی قرار گرفت تا سیاست‌ها و خط‌مشی‌های مربوط به حوزه زبان فارسی شناسایی شود. پس از بررسی این اسناد به‌عنوان جامعه پژوهش، قانون برنامه پنجم توسعه کشور به‌عنوان نمونه پژوهش انتخاب شد و داده‌های گردآوری‌شده با روش تحلیل مضمون و بر اساس چهارچوب نظری خاص این تحقیق مورد تحلیل و ارزیابی قرار گرفت.



شکل شماره ۱: روند تحلیل سیاست‌های مرتبط با زبان فارسی

۴- چهارچوب مفهومی

۴-۱- مسائل بدخیم

بعضی از مسائل در حوزه سیاست‌گذاری را «مسائل بدخیم» نامیده‌اند. برخلاف ظاهر این اصطلاح، در ادبیات مربوطه واژه بدخیم از نظر ارزشی و اخلاقی حاوی بار معنایی بد و منفی نیست؛ بلکه به موضوعاتی اطلاق می‌شود که به‌شدت در برابر راه‌حل‌های متعارف مقاومت می‌کنند و مدیریت موفقیت‌آمیز آن‌ها مستلزم بازارزیابی شیوه‌های قدیمی است

(کریمی مله، ۱۳۹۷: ۱). نخستین بار در دهه ۱۹۶۰ میلادی هارست ریتل از این عنوان در پژوهش‌های مردم‌شناسی و مدیریت بهره برد (بوکانن، ۱۹۹۲: ۵) و سپس در ۱۹۷۳ اچ دبلیو ریتل و ام. ام. ویر، با تعریف دقیق این اصطلاح مدعی شدند که برخی از مسائل وجود دارند که روش‌ها و رویکردهای سنتی قادر به حل و فصل موفقیت‌آمیز آنها نیست. ریتل و ویر عنوان «بدخیم» را بر این‌گونه مسائل گذاشتند و آنها را در مقابل مسائل «رام» قرار دادند. به نظر ایشان درحالی‌که علم برای حل و فصل مسائل رام به وجود آمده و توسعه یافته است، مسائل علوم اجتماعی با روش‌های علوم طبیعی حل و فصل نمی‌شوند. ویژگی این‌گونه مسائل که بسیاری از مسائل سیاست‌گذاری عمومی را شامل می‌شوند، این است که برخلاف مسائل رام و حل‌شدنی که دانشمندان و مهندسان علوم طبیعی به آنها دچار هستند، «حل‌شدنی» نیستند، بلکه «رفع‌شدنی» هستند (ریتل و ویر، ۱۹۷۳: ۱۵۵). مهم‌ترین ویژگی‌های مسائل بدخیم را می‌توان چنین برشمرد:

- ۱- هیچ راه‌حل یگانه و تک‌بعدی برای آنها متصور نیست و به‌شدت در برابر راه‌حل‌های پیشنهادی مقاومت می‌کنند.
 - ۲- مسائل بدخیم از ظرفیت، توان ادراکی و پاسخگویی در حوزه مسئولیت یک سازمان خاص فراتر می‌روند.
 - ۳- بیشتر این مسائل به مسائل دیگر پیوند خورده‌اند.
 - ۴- با محدودیت‌های ایدئولوژیک، فرهنگی، سیاسی و اقتصادی روبه‌رو هستند. اغلب چند علتی هستند و اهداف متعارضی نیز در درون این مسائل وجود دارد.
 - ۵- تغییر رفتار و تعهد شهروندان نیز در رفع این‌گونه مسائل مهم است.
 - ۶- مسائل بدخیم هیچ نقطه‌ای ندارند که با رسیدن به آن تصمیم‌گیری را متوقف کرد.
- ۲-۴- رویکردهای اجرای سیاست‌های عمومی**
- از جمله رویکردهای غلبه بر مسائل بدخیم، می‌توان به سه رویکرد دستوری (بالا به پایین)، رقابتی و مشارکتی اشاره کرد.

جدول شماره ۱: رویکردهای مواجهه با مسائل بدخیم

ویژگی و توضیحات		رویکردها	ردیف
نقاط قوت و ضعف	توضیح		
مزیت مهم این رهیافت بهره‌وری بهینه از زمان از گروه‌ها یا افراد واگذار می‌کند؛ و اجرای تصمیم در زمانی کوتاه است؛ اما درحالی‌که بقیه منتظر تصمیمات ایراد مهم آن بی‌توجهی احتمالی به برخی آنان می‌مانند. اعتقاد بر این است	ملاحظات کلیدی است چون متخصصان و	دستوری	۱



		که چنین راهبردی در موقعیت‌های اضطراری مفید و کارآمد است.	مقامات در درون مجموعه محدود خود، به دنبال راه‌حل هستند و در نتیجه امکان یادگیری و مزیت‌های تعامل را از دست می‌دهند.
۲	رقابتی	ذینفعان در چنین راهبردی نتیجه پردیباخت را دنبال می‌کنند.	مزیت اصلی این رهیافت ایجاد ایده‌ها، ابتکارات و خلاقیت‌های جدید و بسترسازی برای انتخاب بهتر و کارآمدتر است؛ اما نقص عمده آن افزایش احتمال وقوع منازعه بین ذینفعان برخوردار از قدرت است.
۳	مشارکتی	کاراثرین راهبرد مواجهه با مسائل بدخیم است. راهبرد همکارانه راه‌حل برد-برد است.	مزیت این راهبرد، تعهد پیگیری و اجرای سیاست‌ها، راه‌حل‌های جامع‌تر و مؤثرتر و استفاده کمتر از منابع از سهم هر یک از ذینفعان و کلیدی‌ترین عیب آن نیز هزینه‌های فزاینده تعامل به علت کمبود مهارت‌های همکاری است.

۵- یافته‌ها

۵-۱- سیاست‌های مرتبط با زبان فارسی در اسناد بالادستی ج.ا.ایران

جدول شماره ۲: سیاست‌های مرتبط با زبان فارسی در اسناد بالادستی ج.ا.ایران

ردیف	سند	متن
۱	قانون اساسی ج.ا. ایران	زبان و خط رسمی و مشترک مردم ایران فارسی است.
۲	سند چشم‌انداز ۱۴۰۴	تقویت وحدت و هویت ملی مبتنی بر اسلام و انقلاب و نظام جمهوری اسلامی و آگاهی کافی درباره تاریخ ایران، فرهنگ، تمدن و هنر ایرانی - اسلامی و اهتمام جدی به زبان فارسی ماده ۳، بند ۶: تقویت هویت اسلامی و ایرانی ایرانیان خارج از کشور، کمک به ترویج زبان فارسی در میان آنان....
۳	قانون برنامه اول توسعه	ماده ۳-۱۳: تأسیس فرهنگستان زبان و ادب فارسی به منظور ... تقویت هویت اسلامی و ایرانی ایرانیان خارج از کشور، کمک به ترویج زبان فارسی در میان آنان....
۴	قانون برنامه دوم توسعه	تبصره ۵۷: الف- احیاء و توسعه کرسی‌های اسلام‌شناسی و زبان و ادبیات فارسی و... ب- گسترش برنامه‌های آموزش زبان و ادبیات فارسی و برنامه‌های فرهنگی، برای خانواده‌های ایرانیان در خارج از کشور. و... گسترش برنامه‌های آموزشی زبان و ادبیات فارسی و برنامه‌های فرهنگی برای خانواده‌های ایرانی و سایر مخاطبین....

۵	قانون برنامه سوم توسعه	سیاستی مرتبط با زبان فارسی در این قانون به چشم نمی‌خورد.
۶	قانون برنامه چهارم توسعه	ماده ۱۰۹: دولت موظف است به منظور حفظ و شناساندن هویت تاریخی ایران و بهره‌گیری از عناصر و مؤلفه‌های هویت ایرانی به ویژه زبان فارسی، اقدام‌های ذیل را انجام دهد: الف- حمایت از پژوهش‌های علمی و بین‌رشته‌ای در زمینه ایران‌شناسی و گذشته طولانی تاریخی و تدوین گزارش‌ها و کتاب‌های لازم در سطوح مختلف عمومی، آموزشی و پژوهشی.
۷	قانون برنامه پنجم توسعه	فصل ۱- ماده ۳: به منظور تعمیق ارزش‌های اسلامی، باورهای دینی و ... گسترش خط و زبان فارسی، دولت مکلف است حمایت‌های لازم را از بخش غیردولتی اعم از حقیقی و حقوقی در موارد زیر به عمل آورد: هـ اقدام برای حذف اسامی لاتین از سردر اماکن عمومی، شرکت‌ها و بسته‌بندی کالاهای غیرصادراتی تبصره ۱ - دولت موظف است کلیه استانداردهای لازم برای خط و زبان فارسی و تاریخ هجری شمسی را حداکثر تا پایان سال اول تدوین نماید. ماده ۵ - به منظور ... نیز شناساندن و معرفی فرهنگ و تمدن اسلامی ایرانی و گسترش خط و زبان و ادبیات فارسی به ویژه برای ایرانیان خارج از کشور، با تأکید بر تقریب مذاهب اسلامی و....
۸	قانون برنامه ششم توسعه	۲- حمایت از گسترش منابع و اطلاعات به خط و زبان فارسی و تدوین و تصویب استانداردهای ملی و بین‌المللی نمایش الفبای فارسی در محیط‌های رایانه‌ای. ۳- تربیت و تشویق معلمان ورزیده و کارآموده درس زبان فارسی، در مقاطع مختلف آموزشی به ویژه مقطع ابتدایی.
۹	سند نقشه جامع علمی کشور	فصل ۲: ماده ۲، بند ۶: ارتقای جایگاه زبان فارسی در بین زبان‌های بین‌المللی علمی. بند ۱: زبان فارسی در مقام زبان علم. راهبرد کلان ۹: - افزایش پذیرش دانشجویان خارجی به منظور گسترش زبان فارسی و... - تقویت جریان معادل‌سازی برای واژه‌های علمی بیگانه در تمام رشته‌ها و تأکید بر نگارش مقالات علمی - تخصصی به زبان روان فارسی. - حمایت از تأسیس رشته زبان فارسی در دانشگاه‌های مختلف جهان. - تقویت استفاده از زبان فارسی در حوزه‌های تخصصی علوم... و تلاش برای تبدیل زبان فارسی به زبان علم.
۱۰	نقشه مهندسی فرهنگی کشور	ماده ۱۷: جامعه هدف نقشه مهندسی فرهنگی کشور: جوامع فارسی زبان.



<p>فصل ۴: اهداف کلان فرهنگی ماده ۳. تعمیق خودباوری ملی و... توسعه و ترویج زبان و ادبیات فارسی. ارتقای جایگاه و گسترش زبان و ادبیات فارسی با توجه به زبان‌های محلی و قومی.... ماده ۲۲: تدوین و اجرای سند گسترش خط، زبان و ادبیات فارسی در خارج از کشور در چارچوب نقشه مهندسی فرهنگی.</p>	
<p>فصل ششم، ماده ۵: تقویت و توسعه به‌کارگیری زبان فارسی در متون علمی دانشگاهی و تبدیل زبان فارسی به زبان مرجع علم. ماده ۶: حمایت از تدوین کتب و متون مرجع به زبان فارسی قابل رقابت جهانی جهت اقتدار و مرجعیت علمی. ماده ۷: ایجاد سازوکار تولید و تدوین متون مرجع علمی در رشته‌های مختلف به زبان فارسی.</p>	<p>۱۱ سند اسلامی شدن دانشگاه‌ها</p>
<p>فصل ۲، ماده ۲۱: تقویت گرایش به زبان و ادبیات فارسی به‌عنوان زبان مشترک.</p>	<p>۱۲ سند تحول بنیادین آموزش و پرورش</p>
<p>ماده ۳: اقدامات ملی بند ۷: توسعه و به‌کارگیری روش‌ها و ابزارهای ترویج زبان فارسی به‌منظور ارتقای جایگاه زبان فارسی در بین زبان‌های بین‌المللی علمی.</p>	<p>۱۳ سند جامع روابط علمی بین‌المللی جمهوری اسلامی ایران</p>

۲-۵- استخراج کدها از متن قانون برنامه پنجم توسعه ج.ا.ایران

جدول شماره ۳: استخراج کدها

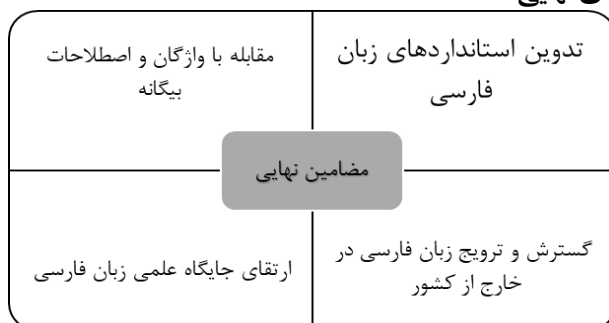
کد	سند
<p>۱- ضرورت حمایت دولت از حفظ و گسترش زبان فارسی. ۲- ضرورت تولید برنامه‌های علمی و آموزشی. ۳- ضرورت اجرای فعالیت‌های فرهنگی و اجتماعی. ۴- ارتقا تعاملات نظری و عملی در راستای ترویج مؤلفه‌های هویت ملی. ۵- تسهیل و ارتقای مشارکت مردم و نهادها در فعالیت‌های فرهنگی. ۶- ضرورت تعامل با نهادها و سازمان‌های مربوطه برای حفظ و پاسداشت زبان فارسی. ۷- تلاش برای گسترش زبان فارسی در داخل و خارج از کشور. ۸- توسعه تولیدات و فعالیت‌های رسانه‌ای، فرهنگی و هنری دیجیتال و نرم‌افزارهای چندرسانه‌ای. ۹- اقدام برای حذف اسامی لاتین. ۱۰- تدوین استانداردهای لازم برای خط و زبان فارسی. ۱۱- توسعه ارتباط و همکاری با مراکز ایران‌شناسی. ۱۲- صیانت از مفاخر معنوی، فرهنگی و علمی.</p>	<p>قانون برنامه پنجم توسعه ج.ا.ایران</p>

۳-۵- استخراج مضمون‌ها از کدها

جدول شماره ۴: استخراج مضمون‌ها

مضمون	کد
۱- وجوب حمایت دولتی از زبان فارسی به عنوان یک ارزش ملی.	۱- ضرورت حمایت دولت از حفظ و گسترش زبان فارسی.
۲- ضرورت و اولویت فعالیت‌های نرم رسانه‌ای برای ترویج زبان فارسی.	۲- ضرورت تولید برنامه‌های علمی و آموزشی.
۳- تلازم حمایت‌های دولتی و خصوصی برای دستیابی به اهداف حفظ و گسترش زبان فارسی.	۳- ضرورت اجرای فعالیت‌های فرهنگی و اجتماعی.
۴- تعامل نهادهای مرتبط مصداقی از تلاش برای توسعه زبان فارسی توسعه دولت و جامعه.	۴- ارتقا تعاملات نظری و عملی در راستای ترویج مؤلفه‌های هویت ملی.
۵- استانداردسازی مقدمه‌ای برای از بین بردن آسیب‌ها و حمایت از توسعه و ترویج زبان فارسی.	۵- تسهیل و ارتقای مشارکت مردم و نهادها در فعالیت‌های فرهنگی.
۶- اولویت هدایت حفظ زبان فارسی از مسیر تعامل نهادهای علمی.	۶- ضرورت تعامل با نهادها و سازمان‌های مربوطه برای حفظ و پاسداشت زبان فارسی.
۷- حذف اسامی لاتین، نماد محافظت از زبان فارسی در داخل کشور و گسترش زبان فارسی در خارج از کشور در حین آن.	۷- تلاش برای گسترش زبان فارسی در داخل و خارج از کشور.
۸- مقابله با تهاجم رسانه‌ای واژگان و اصطلاحات بیگانه.	۸- توسعه تولیدات و فعالیت‌های رسانه‌ای، فرهنگی و هنری دیجیتال و نرم‌افزارهای چندرسانه‌ای.
۹- ضرورت برخورد با مصادیق واژگان و اصطلاحات بیگانه.	۹- اقدام برای حذف اسامی لاتین.
۱۰- ضرورت ورود تشکل‌های مردم‌نهاد در حوزه صیانت از زبان فارسی و انجام فعالیت‌های ترویجی.	۱۰- تدوین استانداردهای لازم برای خط و زبان فارسی و تاریخ هجری شمسی.
	۱۱- توسعه ارتباط و همکاری با مراکز ایران‌شناسی.
	۱۲- صیانت از مفاخر معنوی، فرهنگی و علمی.

۴-۵- مضمون‌های نهایی



شکل شماره ۲: مضمون‌های نهایی



۶- خلاصه و نتیجه‌گیری

۶-۱- مسائل و مشکلات پیش روی زبان فارسی به مثابه مسائل بدخیم

کوشش برای رویارویی با واژگان و اصطلاحات بیگانه و جایگزین کردن برابره‌های فارسی برای آن‌ها، از جمله مهم‌ترین موارد سیاست‌گذاری زبانی در ایران بوده است. آبخور اصلی این طرح، قانون ممنوعیت به‌کارگیری اسامی، عناوین و اصطلاحات بیگانه است که در تاریخ ۱۳۷۵/۰۹/۱۴ به تصویب مجلس شورای اسلامی رسیده است؛ و بر اساس آن:

«به منظور حفظ قوت و اصالت زبان فارسی به عنوان یکی از ارکان هویت ملی ایران و زبان دوم عالم اسلام و معارف و فرهنگ اسلامی، دستگاه‌های قانون‌گذاری، اجرایی و قضایی کشور و سازمان‌ها، شرکت‌ها و مؤسسات دولتی و کلیه شرکت‌هایی که شمول قوانین و مقررات عمومی بر آن‌ها مستلزم ذکر نام است و تمامی شرکت‌ها، سازمان‌ها و نهادهای مذکور در بند (د) تبصره (۲۲) قانون برنامه دوم توسعه موظف‌اند از به‌کاربردن کلمات و واژه‌های بیگانه در گزارش‌ها و مکاتبات، سخنرانی‌ها و مصاحبه‌های رسمی خودداری کنند و همچنین استفاده از این واژه‌ها بر روی کلیه تولیدات داخلی اعم از بخش‌های دولتی و غیردولتی که در داخل کشور عرضه می‌شود ممنوع است».^(۱)

مقابله با واژگان و اصطلاحات بیگانه هم به شکل قانون و هم در زمره یکی از خط‌مشی‌های دولتی در قانون برنامه پنجم توسعه مورد اشاره قرار گرفته و بر همین اساس برای اجرای آن حمایت‌های مالی، مادی و دیوان‌سالارانه در نظر گرفته شده است، اما در واقعیت آثار اجرای این سیاست‌ها در جامعه چندان به چشم نمی‌آید و ما همه‌روزه می‌توانیم ردپای نام‌ها و نشان‌های فرنگی مآبانه را بر روی تابلوی فروشگاه‌ها، بسته‌بندی کالاها، نامه‌های رسمی، گفتگوی مسئولان و مجریان و ... ببینیم.

سرشت چندوجهی این مسئله، راه رفع آن را درگرو هماهنگی و مشارکت سازمان‌ها و نهادهای گوناگونی قرار داده است؛ بنابراین، این چنین به نظر می‌رسد که نمی‌توان به تنهایی و با تکیه بر توان یک سازمان خاص همچون فرهنگستان زبان و ادب فارسی به مقابله با این دشواره شتافت و انتظار کسب نتایجی رضایت‌بخش را داشت. این ویژگی مسائل بدخیم به‌روشنی بیان‌گر این واقعیت است که برای چیرگی بر این گونه مسائل می‌بایست با همکاری نهادهای دولتی، خصوصی و دیگر بازیگران مهم این حوزه و نشانه روی تمام توان آن‌ها به سوی هدفی مشخص از بیشترین توانایی و ظرفیت دستگاه‌ها و سازمان‌ها در جهت اجرای این قانون بهره برد. گزارش^(۲) اجرای قانون برنامه پنجم توسعه

مبنی بر عدم هماهنگی و همکاری برخی سازمان‌های مرتبط، می‌تواند شاهدهی بر این مدعا باشد.

جدول شماره ۵: عوامل ناکامی اجرای قانون حذف اسامی لاتین

عوامل ناکامی	متن قانون
۱- عدم اقدام به موقع پلیس اماکن عمومی ناجا در برخورد با واحدهای صنفی و شرکت‌های تولیدی متخلف. ۲- ثبت اسامی بیگانه برای شرکت‌ها و محصولات تولید داخل توسط سازمان ثبت. ۳- عدم توجه سازمان‌ها و وزارتخانه‌ها و اتحادیه‌ها و اتحادیه‌های صنفی که برای فعالیت اشخاص حقیقی و حقوقی کشور مجوز صادر می‌کنند به اجرای قانون و صدور مجوز برای فعالیت واحدهایی که محصولات آن‌ها دارای نام‌های بیگانه هستند. ۴- عدم توجه شهرداری به اجرای قانون در زمان کنترل تابلوهای واحدهای صنفی.	اقدام برای حذف اسامی لاتین از سر در اماکن عمومی، شرکت‌ها و بسته‌بندی کالاهای غیر صادراتی

این ناهماهنگی میان دستگاه‌ها ناشی از «عدم مشروعیت فرآیندی» است که بر اساس آن در مسیر اجرای یک سیاست می‌بایست همه‌ی بخش‌های دیوانسالاری دولتی درگیر باشند و نقطه نظرات و گرایش‌های خود را در آن لحاظ کنند و در صورتی که چنین اتفاقی نیفتد، مجریان سیاست‌ها را از آن خود ندانسته و نسبت به اجرای آن رغبتی نخواهند داشت و در نتیجه‌ی عدم اجرای آن هم پاسخگو نخواهد بود (اشتریان، ۱۳۹۶).

زبان فارسی و مردم ایران همواره ارتباطی دوسویه با یکدیگر داشته‌اند. افزون بر این که فارسی در جایگاه زبان ملی وسیله ارتباط مردم ایران بوده، وسیله‌ی انتقال میراث هویتی و عامل همبستگی مردمان ایران نیز بوده است و همان اهمیتی که زبان فارسی برای مردم دارد، شهروندان نیز برای بقا و حفظ سلامت زبان فارسی دارند؛ بنابراین حذف اسامی لاتین از اماکن عمومی در گرو مشارکت و همیاری دوجانبه‌ی دولت و مردم است. چراکه با وجود سیاست‌گذاری این اقدامات توسط دولت و مداخله برای تأثیرگذاری بر رفتار شهروندان در گزینش و کاربرد واژگان و اصطلاحات فارسی، شهروندان نیز به‌عنوان جامعه هدف این سیاست‌گذاری‌ها در اجرای درست آن‌ها مؤثر هستند. اگر یک سیاست در به دست آوردن پشتیبانی افکار عمومی و تبدیل آن به توصیه برای سیاست‌گذاران و دولت‌مردان ناتوان باشد، بی‌گمان سیاست موفق‌ی نخواهد بود و مردم در هنگام اجرا با آن همراهی نخواهند کرد. از زمانی که مسئله کاربرد



واژگان و اصطلاحات بیگانه از سوی برخی مردم در گفتار و نوشتار و نام‌ها و نشان‌های تجاری خود به‌عنوان یک معضل در سطح نخبگان علمی و دانشگاهی بیان شده است، سال‌های زیادی می‌گذرد اما در این سال‌ها، این پدیده نتوانسته است به یک چالش همه‌گیر در بین توده‌ی مردم تبدیل شود و سیاست‌گذاری در این زمینه توان نفوذ به همه یا دست‌کم بیشتر لایه‌های اجتماعی را نداشته است و نگاه مردم به این مسئله صرفاً نگاهی ویژه استادان دانشگاه، ادیبان و افرادی این‌چنینی باقی مانده است.

در این بین دولت در اختصاص دادن بخشی از امکانات مالی و مادی به بحث آموزش مردم و فرهنگ‌سازی در زمینه بایستگی پاسداشت زبان فارسی از سوی ایشان با کاستی‌هایی مواجه بوده است. در صورتی‌که هدف سیاست‌گذاران راهنمایی شهروندان آموزش‌دیده و توجیه شده در بایستگی پاسداشت زبان فارسی می‌بود، ممکن بود مردم با میل و اشتیاق بیشتری که حاصل آگاهی و دانش به نتیجه‌ی اجرای این سیاست‌ها بود با اجرای این خط‌مشی‌ها همراهی می‌کردند و در پاسداشت زبان فارسی، ظرافت بیشتری به خرج می‌دادند.

دلیل دیگری که می‌توان برای این مسئله پنداشت این است که کاربرد و استفاده‌ی مردم از نام‌ها و عناوین بیگانه خود به مسائل اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی گوناگونی پیوند خورده است و هرکدام از این عوامل به‌نوعی در این مسئله اثرگذار هستند. برای مثال، از جمله مسائل علمی مؤثر در این زمینه می‌توان به تولید و ورود فناوری‌های نوین در عصر جهانی شدن با سرعت بسیار بالا اشاره کرد. هنگامی‌که یک فناوری جدید وارد کشور می‌شود، نام آن نیز وارد زبان کشور می‌شود و حتی افزون بر نام خودش بسیاری دیگر از اصطلاحات تخصصی را وارد زبان می‌کند که به‌وسیله شهروندان مورد استفاده قرار می‌گیرد. داریوش آشوری در مقاله‌ی «روح علمی و زبان علمی» می‌گوید: «همان‌گونه که در زیر فشار جهانی شدن اقتصاد و تکنولوژی مدرن ساختار اجتماعی و اقتصادی و فرهنگی در حال دگرگونی است زبان‌ها نیز زیر فشار زبان‌های مدرن (همچون انگلیسی) در حال پوست‌اندازی، دگرگونی و نابودی هستند» (آشوری، ۱۳۸۴).

گفتار و نوشتارهای صاحب‌نظران در این حوزه نیز نشان‌دهنده وجود ارزش‌های رقیب و متضاد درباره‌ی ماهیت و راه‌حل این‌گونه مسائل در کشور ماست. مثلاً درحالی‌که افرادی همچون کزازی و حیدری ملایری به سر‌نویسی گرایش دارند و این شیوه را

برای ارتقای جایگاه زبان فارسی مناسب دانسته و دنبال می‌کنند، برخی دیگر در نوشتارهایشان تقاضای ترک ستیزه‌جویی با دیگر زبان‌ها و اتخاذ رویکردی بینابینی دارند. پرویز اجلالی در مقاله‌ای با عنوان «جهانی‌شدن و زبان فارسی: نکاتی درباره برنامه‌ریزی زبان ملی» سره‌نویسی به‌منظور ارتقای جایگاه و منزلت زبان فارسی را آرمانی خیالی می‌داند و سیاست همزیستی مسالمت‌آمیز زبان فارسی و زبان‌های علمی را پیشنهاد می‌کند (اجلالی، پرویز: ۱۳۹۲: ۶).

همچنین در زمینه استانداردسازی زبان فارسی می‌بایست آن را همچون اصلی مهم پذیرفت، چراکه اگر سیاست‌گذاری به‌منظور آن با موفقیت همراه باشد دیگر سیاست‌گذاری‌های زبانی نیز یک‌قدم به هدف خود نزدیک‌تر خواهند شد. اگرچه در قانون برنامه پنجم توسعه استانداردسازی زبان فارسی این‌گونه مورد اشاره شده قرار گرفته است:

«ماده ۵-تبصره ۱ - دولت موظف است کلیه استانداردهای لازم برای خط و زبان فارسی و تاریخ هجری شمسی را حداکثر تا پایان سال اول تدوین نماید.»^(۳)

اما اشاره‌ای به عملکرد دولت و سازمان‌های مربوطه در ارتباط با انجام آن در گزارش‌های رسمی به چشم نمی‌خورد. شاید یکی از دلایل این امر را بتوان ماهیت این هدف دانست، چراکه نتایج حاصل از اجرای آن چندان با زندگی روزمره مردم در ارتباط نیست و تنها بخش اندکی از کسانی که به نحوی در حال آموزش زبان فارسی هستند با آن مرتبط هستند؛ اما نمی‌توان صرفاً به این دلیل که یک سیاست جنبه‌ی همگانی ندارد از ارزیابی نتایج آن چشم‌پوشی کرد، بلکه می‌بایست با تدوین یک نظام نظارت و ارزشیابی عملکرد مؤثر و کارآمد به‌منظور سنجش اثربخشی سیاست‌های در حال اجرا موفقیت آن را قوت بخشید.

کوشش سیاست‌گذاران به‌منظور احیای جایگاه ازدست‌رفته‌ی زبان فارسی در جهان، به شکل خط‌مشی‌هایی با محوریت گسترش زبان فارسی در جهان به‌عنوان ابزاری در جهت توسعه فرهنگ ایرانی-اسلامی به‌ویژه برای ایرانیان خارج از کشور بروز و ظهور یافته است. تحقق این سیاست می‌تواند منجر به حفظ ارتباط ایرانیان خارج از کشور با فرهنگ و هویت ملی خودشان و در نهایت حفظ همبستگی و پیوندهای هویتی ایرانیان در سراسر جهان باشد. این امر آنجایی خودش را بهتر نمایان می‌کند که نگاهی به قلمرو زبان فارسی در طول تاریخ حکایت از کاهش تدریجی میزان قلمرو این زبان و به‌تبع محدود شدن سیطره‌ی هویت ایرانی اسلامی دارد. این خط‌مشی در ماده ۵ قانون برنامه پنجم توسعه این‌چنین بیان شده است:



«به منظور تبیین مبانی اسلام ناب محمدی (ص) و... معرفی فرهنگ و تمدن اسلامی ایرانی و گسترش خط و زبان و ادبیات فارسی به ویژه برای ایرانیان خارج از کشور، ... «سند ملی توسعه روابط فرهنگی جمهوری اسلامی ایران در سطح بین الملل» تا پایان سال اول برنامه توسط وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی (سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی) با همکاری وزارت امور خارجه و سایر دستگاه‌های مرتبط، شورای عالی حوزه علمیه قم و جامعه المصطفی العالمیه تهیه و به تصویب هیئت وزیران می‌رسد».^(۴)

اما با گذشت چندین دهه از تهیه، تدوین و اجرای برنامه‌های این چنینی در جهت گسترش زبان فارسی در جهان نمی‌توان این حقیقت را کتمان کرد که این سیاست‌ها در نیل به اهداف خود چندان کامیاب نبوده‌اند. پیش از این گفتیم که از ویژگی‌های مسائل بدخیم این است که نباید انتظار رفع این گونه مسائل را با همان شیوه‌های قدیمی داشته باشیم. چراکه در صورت تکرار شیوه‌های قدیمی انجام یک عمل، چشم‌داشت مشاهده‌ی نتایج غیرتکراری امری بیهوده است. بررسی و ارزیابی عملکرد دولت در اجرای خط‌مشی‌های مرتبط با زبان فارسی در روشن شدن ارتباط این ویژگی مسائل بدخیم با سیاست‌های زبانی به ما کمک می‌کند. در جدول زیر اقدامات صورت گرفته در زمینه‌ی گسترش زبان فارسی در خارج از کشور در طی بازه زمانی قانون برنامه پنجم توسعه (۱۳۹۵-۱۳۹۰) نشان داده شده است.

جدول شماره ۶: اقدامات صورت گرفته در زمینه‌ی گسترش زبان فارسی در خارج از کشور^(۵)

سال	اقدامات صورت گرفته
۱۳۹۰	تشکیل کمیته تدوین سند، برگزاری جلسات کارشناسی با نمایندگان سایر دستگاه‌های مرتبط، تدوین سند ملی توسعه روابط فرهنگی جمهوری اسلامی ایران با همکاری دستگاه‌های ذی ربط. تشکیل کارگروه پیاده‌سازی بسته‌های اجرایی و تهیه دستورالعمل‌ها و آیین‌نامه‌های مربوطه و تدوین برخی اسناد راهبردی و سند استراتژیک.
۱۳۹۱	تشکیل کمیته تدوین سند، برگزاری جلسات کارشناسی با نماینده‌های سایر دستگاه‌های مرتبط، تدوین سند ملی توسعه روابط فرهنگی جمهوری اسلامی ایران با همکاری دستگاه‌های ذی ربط، پیش‌نویس سند ملی توسعه روابط فرهنگی ج.ا.ا در سطح بین‌الملل توسط سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی با همکاری دستگاه‌ها و نهادهای فعال تنظیم و در ستاد آیین‌نامه‌های معاونت برنامه‌ریزی تأیید و برای تصویب به هیئت دولت ارسال شد.
۱۳۹۲	پیش‌نویس سند ملی توسعه روابط فرهنگی جمهوری اسلامی ایران با همکاری دستگاه‌های ذی ربط تهیه و برای طرح و تصویب به هیئت دولت ارائه شد. این پیش‌نویس پس از ارجاع به کمیسیون فرهنگی دولت در جلسات متعدد با حضور دستگاه‌های اجرایی ذی ربط اصلاح و تنقیح شده است.
۱۳۹۳	پیرو برگزاری جلسات متعدد کارشناسی با نمایندگان دستگاه‌های مرتبط و تدوین سند ملی

توسعه روابط فرهنگی جمهوری اسلامی ایران توسط سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی با همکاری دستگاه‌های ذی‌ربط در سال ۱۳۹۳ سند مذکور جهت طرح و تصویب به کمیسیون فرهنگی دولت ارسال و در آنجا مورد بحث و بررسی قرار گرفت و برای تصویب نهایی به هیئت دولت ارسال شد؛ اما به علت برخی ایرادات مجدداً سند در سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی مورد ویرایش شکلی قرار گرفت و بار دیگر به هیئت دولت ارسال شد.	
پیرو برگزاری جلسات متعدد کارشناسی با نمایندگان دستگاه‌های مرتبط و تدوین سند ملی توسعه روابط فرهنگی جمهوری اسلامی ایران توسط ... به علت برخی ایرادات مجدداً سند در سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی مورد ویرایش شکلی قرار گرفت و بار دیگر به هیئت دولت ارسال شد.	۱۳۹۴
پیرو برگزاری جلسات متعدد کارشناسی با نمایندگان دستگاه‌های مرتبط و تدوین سند ملی توسعه روابط فرهنگی جمهوری اسلامی ایران توسط ... به علت برخی ایرادات مجدداً سند در سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی مورد ویرایش شکلی قرار گرفت و بار دیگر به هیئت دولت ارسال شد.	۱۳۹۵

همان‌گونه که مشاهده می‌شود مجموعه‌ی اقدامات صورت گرفته در ارتباط با گسترش زبان فارسی در خارج از کشور در بازه زمانی برنامه پنجم توسعه شامل برگزاری نشست‌ها، تدوین چندین و چندباره اسنادی است که برخی از آن‌ها تا پایان دوره‌ی مزبور هیچ‌گاه به سرانجام نرسیدند و همچنان به سال بعد واگذاشته شده‌اند. تصویب دوباره‌ی اسناد کوچک‌تر در دل اسناد و قوانین موجود، فرصت اجرا و عملیاتی کردن برنامه‌های موجود را از میان برده است و تکرار این نشست‌ها مانع از اجرای اقدامات بایسته گردیده است؛ بنابراین ادامه‌ی این روند و چرخه‌ی متداول و همیشگی که در نهادهای اجرایی به امری معمول بدل شده است تنها سبب هدر رفت منابع و امکانات خواهد شد. سرانجام این‌که نبود دیدگاهی یگانه در میان صاحب‌نظران، منتقدان و سیاست‌گذاران در این زمینه نیز بر بدخیمی مسئله سیاست‌گذاری زبان ملی در ایران می‌افزاید. این امر افزون بر این‌که سبب ناتوانی در برنامه‌ریزی و تدوین سیاست‌های منطقی بلندمدت قابل اجرا می‌شود، به سردرگمی و حس ناامیدی ناشی از نبود چاره برای رفع این مشکلات می‌انجامد. چنین مسائلی، سبب می‌شود تا هیچ نقطه پایانی برای این‌که بتوان با رسیدن به آن تصمیم‌گیری و اجرای سیاست‌های زبانی را متوقف کرد، وجود نداشته باشد. به بیان دیگر با رسیدن به یک نقطه و رفع بخشی از این مشکل‌ها، دسته دیگری از مسائل پدیدار می‌شوند که هر یک راه‌حل جدیدی را می‌طلبند.

۲-۶- رویکرد حاکم بر خط‌مشی‌های مرتبط با زبان فارسی در اسناد بالادستی

با وجود تفاوت‌هایی که در سرشت، مأموریت‌ها و نظام اداری هر کدام از این سازمان‌ها وجود دارد. همگی آن‌ها در عدم نگرش به مسائل پیش‌روی زبان فارسی به‌مثابه مسائل



بدخیم با همدیگر اشتراک دارند و همین مسئله، موجب ناتوانی در شناسایی سرشت این مشکلات از سوی این سازمان‌ها شده است. روش‌ها و رویکردهای سنتی که شامل انجام و تجویز اموری چون حمایت مالی، برخورد پلیسی و قضایی، تدوین چندین و چندباره اسناد و آیین‌نامه‌ها و... هستند، قادر به حل و فصل موفقیت‌آمیز مشکلات پیش روی زبان فارسی نبوده‌اند.

با بررسی عملکرد دولت در اجرای برنامه پنجم توسعه درمی‌یابیم که الگوی برنامه نویسان و مجریان این سیاست‌ها به‌نوعی نشان‌گر شکلی از مدل بالاب‌پایین و یا دستوری است. براین اساس حل مسئله‌ی زبان فارسی تنها به نهادهای چندی از جمله وزارت فرهنگ، فرهنگستان زبان و ادب فارسی و... واگذار و دیگران از جمله توده‌ی مردم همواره منتظر دیدن نتایج اقدامات آن‌ها مانده‌اند. در این حالت مخاطبان همواره منتظر مواجهه و پذیرش نتایج تصمیمات دیوان‌سالاران هستند و نخبگان تصمیم‌گیری با این کار خود را از تعامل با مخاطبان، پژوهشگران و متخصصان این حوزه که ممکن است لزوماً درون چهارچوب‌های سازمان‌های یادشده قرار نداشته باشند محروم ساخته‌اند که در نتیجه‌ی آن از میزان حساسیت، اهمیت و مشارکت مردم در این سیاست‌ها کاسته شده است.

این پژوهش در پی ارائه پاسخی معتبر به این پرسش بود که دلایل ناکامی سیاست‌گذاری زبان ملی در ایران چه بوده است؟ یافته‌های این پژوهش نشان داد که مسئله‌ی زبان فارسی و مشکلات پیش‌روی آن از چشم سیاست‌گذاران در ایران به دور نمانده است و در شماری از مهم‌ترین اسناد بالادستی از جمله قانون اساسی، سند چشم‌انداز، قانون‌های برنامه توسعه، سند جامع علمی کشور و... به آن توجه شده و سیاست‌هایی برای مواجهه با آن تدارک دیده شده است. هرچند رسیدن به اهداف در اجرای سیاست‌های عمومی همواره امری نسبی است؛ اما وضعیت امروزی زبان فارسی پس از اجرای سیاست‌های پرشمار برای بهبود وضعیت آن، ما را بر این امر متقاعد ساخت که با وجود طراحی و اجرای سیاست‌های پرشماری در این زمینه، اجرای این سیاست‌ها با رویکردی دستوری که از جمله شیوه‌های سنتی اجرای سیاست‌های عمومی است و دربرگیرنده راه‌حل‌هایی چون حمایت‌های مالی، برخوردهای قانونی، تدوین شمار زیادی از قوانین، برنامه‌ریزی دستوری و موارد این‌چنینی است، قادر به رفع مشکلات گریبان‌گیر زبان فارسی نبوده‌اند. نتیجه نهایی این پژوهش این است که مسائل و مشکلات پیش‌روی زبان فارسی سرشتی بدخیم داشته و ناتوانی طراحان و مجریان

سیاست‌های زبانی از تشخیص این نکته آن‌ها را به‌سوی اجرای سیاست‌های زبانی نامتناسب با ساختار این مسائل و آن‌هم مبتنی بر رویکردی دستوری رهنمون ساخته که این امر مانع اصلی و جدی پیش‌روی اجرای درست این سیاست‌ها و از میان برداشتن مشکلات پیش‌روی زبان فارسی بوده است.

۷- چند پیشنهاد

۷-۱- بایستگی قرار دادن سیاست‌های تشویقی به‌جای سیاست‌های تنبیهی

حفظ و حراست از زبان فارسی در کشور مسئله ملی است که عوامل متعدد فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی در آن نقش دارند و با بررسی این مسائل می‌توان دلایل کاهش تمایل به استفاده از واژگان و اصطلاحات صحیح فارسی را سنجید. برای نمونه در بحث حذف واژگان و اصطلاحات بیگانه از سر در فروشگاه‌ها نمی‌توان مردم را به دلیل ناآگاهی و یا حتی کاربرد آگاهانه (به خاطر سلیقه‌ی شخصی) اسامی بیگانه مقصر دانست. بدون شک باوجود ابزارها و رسانه‌های نوین ارتباطی، سیل ورود واژگان و این اصطلاحات روزبه‌روز افزایش می‌یابد و این امر در ذائقه‌ی فرهنگی و زبانی مردم اثرگذار است. به همین خاطر می‌بایست ضمن درک و پذیرش این نکته که اعمال فشار در این زمینه نه تنها موفقیت‌آمیز نیست بلکه ممکن است نتیجه واژگونه به همراه داشته باشد، باید از روش‌های فرهنگی برای اطلاع‌رسانی و آگاهی مردم استفاده کرد.

در نظر گرفتن سیاست‌های تنبیهی مانند اعمال جریمه‌های نقدی و یا محدودیت در فعالیت کسب‌وکارها (به‌جز برخی موارد ضروری) امری نادرست است و نمی‌توان انتظار دریافت پاسخ مناسبی از آن داشت؛ بر همین اساس همچنان که باید مردم را با واقعیت‌ها و اهمیت انتخاب نام و نشان درست ایرانی آشنا کرد و خطرات تغییرات هویتی را در صورت ادامه این روند با آن‌ها در میان گذاشت، می‌بایست از روش‌های فرهنگی برای اطلاع‌رسانی و آگاهی مردم استفاده کرد، بلوغ و شایستگی فکری ایشان را به رسمیت شناخت و درنهایت تصمیم را بر عهده‌ی خود مردم گذاشت. با فعالیت‌های تشویقی و ترویجی مانند بخشودگی‌های مالیاتی و یا کمک‌هزینه‌ی تعویض تابلوی فروشگاه‌هایی که پیش‌ازاین از اسامی ایرانی استفاده نمی‌کردند ضمن تشویق به حفظ این رویه در جهت هدایت ذائقه‌ی دیگران به‌سوی گزینش آگاهانه، از روی اختیار و مشتاقانه‌ی نام‌ها و نشان‌های ایرانی برای تابلوهای تجاری کوشید.

۷-۲- بایستگی تدوین سند راهبردی حمایت از زبان فارسی

با توجه به این‌که هدف اساسی اسناد بالادستی و برنامه‌های سیاستی باید ایجاد هماهنگی



و هم‌رایی باشد نه پراکندگی و جدایی، نظرات مختلف و متنوع درباره سیاست‌های زبانی که حاصل برنامه‌های گسترده و پراکنده در چندین سند بالادستی مختلف موجود در کشور هستند از ایجاد اجماع نظر میان برنامه نویسان و مجریان جلوگیری می‌کند. وجود یک برنامه منسجم و ساختارمند به همراه یک ضمانت اجرای قوی که همه‌ی دستگاه‌های اجرایی کشور موظف به رعایت و پیگیری آن باشند می‌تواند از ناتمام ماندن بسیاری از برنامه‌ها که ناشی از تغییر دولت و تغییر گفتمان حاکم بر دستگاه‌های فرهنگی کشور که حاصل تغییر برنامه نویسان، مدیران و مجریان سیاست‌ها و برنامه‌هاست جلوگیری کند. لازم است با در نظر گرفتن اهمیت و پذیرش این امر که مسئله‌ی زبان فارسی به‌تنهایی شایستگی اختصاص سندی ویژه را دارد تعریف مشخص و دقیقی از مهم‌ترین مؤلفه‌ها و پیش‌نیازهای بحث حفظ، پاسداشت و گسترش زبان فارسی صورت گیرد و آنگاه بر اساس تعریف فوق ابعاد و مؤلفه‌های سیاست‌گذاری زبانی در ایران به‌گونه‌ای مشخص شود که منجر به یک تعریف استاندارد و پذیرفته‌شده‌ی همگانی گردد. چنین اتفاق نظری می‌تواند مبنایی برای تدوین سندی فراگیر، بدون محدودیت زمانی، مبتنی بر خط‌مشی‌های واقع‌بینانه، مطالعات علمی، اولویت‌بندی شده، غیرمبهم، منطبق با تحولات گسترده و سریع داخلی و جهانی و مهم‌تر از همه قابل اجرا، با عنوان سند راهبردی پاسداشت و گسترش زبان فارسی باشد.

۳-۷- توجه به نقش جامعه‌ی مدنی و یاری گرفتن از ظرفیت‌های آن

جامعه مدنی می‌تواند در شناسایی و گوشزد مسائل به‌منظور قرار گرفتن در دستور کار دولت مؤثر باشد. همچنین در چارچوب اجرای برخی از این سیاست‌ها، دولت می‌تواند با جمع‌سپاری و دیگر سپاری برخی اقدامات به انجمن‌ها و سازمان‌های مردم‌نهادی که در این زمینه فعالیت می‌کنند خود نقش مدیریتی، ناظر و کنترلی اختیار کند؛ و سرانجام در مرحله‌ی ارزیابی سیاست‌ها در صورتی که نظارت پیوسته مردم بر اجرای سیاست‌ها وجود داشته باشد، دولت کمتر دچار خطا می‌شود و به تبع قانون‌شکنی، رعایت نکردن اصول و مواد برنامه‌ها و اعمال سیاست‌های غلط و تکراری از سوی حاکمان و دولتمردان کاهش می‌یابد. سرانجام اینکه با مشارکت دادن شهروندان در سیاست‌گذاری زبان ملی می‌توان ضمن گرفتن بازخوردهایی از ایشان حس تعلق و دل‌بستگی به هویت ملی را در آن‌ها تقویت کرد.

۴-۷- آموزش در جهت گسترش هویت ملی شهروندمحور

زبان فارسی محصول نظم طبیعی فرهنگی و سیاسی جغرافیای ایران بزرگ در طول

سده هاست و به گفته اهل فن و شهادت تاریخ تمامی ساکنان ایران زمین در پروردن آن به یک اندازه سهم داشته‌اند. با پذیرش اهمیت زبان فارسی به‌عنوان میانجی ارتباط هویت‌های محلی قومی در سطح ملی و بین‌المللی از سوی شهروندان گامی مؤثر در جهت تثبیت منافع ملی برداشته می‌شود. پذیرش و اتفاق نظر همگانی از سوی شهروندان هنگامی تکمیل می‌شود که دولت ملی با آموزش و ترویج اهمیت و ضرورت کاربرد زبان ملی توسط همگان زمینه‌های استحکام هویت ملی در جامعه را پدید آورد. زبان فارسی در جایگاه زبان ملی، به ایجاد یک درک مشترک ملی میان همه‌ی شهروندان ایران زمین کمک می‌کند و اراده همگانی برای زیستن در یک قلمرو واحد در عین حفظ گوناگونی‌ها را فراهم می‌کند.

یادداشت‌ها

- ۱- قانون ممنوعیت به‌کارگیری اسامی، عناوین و اصطلاحات بیگانه، مصوب ۱۳۷۵/۰۹/۱۴.
- ۲- کارنامه گزارش تحلیلی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی در برنامه پنجم توسعه ج.ا.ایران.
- ۳- کارنامه گزارش تحلیلی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی در برنامه پنجم توسعه ج.ا.ایران.
- ۴- متن قانون برنامه پنجم توسعه کشور.
- ۵- کارنامه گزارش تحلیلی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی در برنامه پنجم توسعه ج.ا.ایران.

منابع

- آشوری، داریوش (۱۳۸۴): «درباره هویت ملی و پروژه ملت‌سازی»، فرانسه.
- اجلالی، پرویز (۱۳۹۲): «جهانی‌شدن و زبان فارسی: نکاتی درباره برنامه‌ریزی زبان ملی»، *مجله مطالعات اجتماعی ایران*، دوره هشتم، شماره ۳، صص ۲۷-۶.
- احمدی، حمید (۱۳۸۸): *بنیادهای هویت ملی ایرانی: چهارچوب نظری هویت ملی شهروندمحور*، تهران: انتشارات پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی.
- اشتریان، کیومرث (۱۳۷۶): «علوم سیاست‌گذاری و دستاوردهای آن برای ایران»، *مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران*، شماره ۳۷، صص ۱۷۰-۱۵۹.
- اشتریان، کیومرث؛ کشوردوست جوبنه، سمانه؛ حاجی احمدی، فاطمه (۱۳۹۳): «بررسی تأثیر عوامل سیاسی بر اجرای برنامه پنجم توسعه (مطالعه موردی در حوزه سلامت)»، *پژوهشنامه علوم سیاسی*، شماره ۳۶، صص ۲۲-۷.
- اشتریان، کیومرث؛ سمانه، کشوردوست؛ علی اکبر، اسدی کشه؛ محمد، عادل پناهی (۱۳۹۶): *اجرا پژوهی؛ چالش‌های اجرای سیاست‌گذاری عمومی در ایران*، تهران: انتشارات سیاست‌گذار.
- اشرف، احمد؛ نیولی، گرارد؛ شهبازی، شاپوری (۱۳۹۵): *هویت ایرانی از دوران باستان تا پایان پهلوی*، تهران: نشر نی.

- امیر احمدیان، بهرام (۱۳۹۷): «زبان فارسی و کاربرد آن در همگرایی منطقه‌ای در جهان ایرانی»، *فصلنامه مطالعات ایران‌شناسی*، شماره ۱۰، صص ۳۴-۶.
- جعفری، علی‌اصغر و همکاران (۱۳۹۶): *کارنامه تحلیلی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی در برنامه پنجم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران (۱۳۹۴-۱۳۹۰)*، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی: دفتر مطالعات و برنامه‌ریزی راهبردی.
- حق‌شناس، علی‌محمد (۱۳۷۲): *در جست‌وجوی زبان علم*، مجموعه مقالات سمینار زبان فارسی در زبان علم (به کوشش علی کافی)، تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
- دانشیار، جواد (۱۳۸۶): *فرهنگ‌نامه پارسی آریا*، تهران: انتشارات فرهنگ مردم.
- داوری اردکانی، نگار (۱۳۸۶): «نمادهای هویت ایرانی و زبان فارسی»، *فصلنامه مطالعات ملی* شماره ۲، صص ۲۵-۳.
- سازمان برنامه‌بودجه کشور (۱۳۹۶): *قانون برنامه پنج‌ساله ششم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران و قانون احکام دائمی برنامه‌های توسعه کشور*، مرکز اسناد، مدارک و انتشارات.
- سیدان، مریم (۱۳۹۵): «چند پیشنهاد سیاستی در حوزه زبان فارسی»، *فصلنامه مطالعات راهبردی سیاست‌گذاری عمومی*، شماره ۲، صص ۲۲۷-۲۱۳.
- طباطبایی، سید جواد (۱۳۹۶): *زوال اندیشه سیاسی در ایران*، تهران: انتشارات مینوی خرد.
- ---- (۱۳۹۸): *ملت، دولت، حکومت قانون*، تهران: انتشارات مینوی خرد.
- عابدی جعفری، حسن؛ تسلیمی، محمد سعید؛ فقیهی، ابوالحسن، شیخ‌زاده، محمد (۱۳۹۰): «تحلیل مضمون و شبکه مضامین: روشی ساده و کارآمد برای تبیین الگوهای موجود در داده‌های کیفی»، *دو فصلنامه اندیشه مدیریت راهبردی*، شماره ۱۰، صص ۱۹۸-۱۵۱.
- فروزنده، لطف‌الله؛ وجدانی، فؤاد (۱۳۸۸): «سیاست‌گذاری عمومی چیست؟»، *مجله اطلاعات سیاسی - اقتصادی*، شماره ۲۶۹ و ۲۷۰، صص ۲۰۷-۱۸۰.
- کریمی (مله)، علی؛ پارسا، ندا. (۱۳۹۸). «سیاست‌گذاری هویت ملی و الزامات راهبردی آن برای ایران». *فصلنامه مطالعات ملی*. سال بیستم. شماره ۱، صص ۲۰-۳.
- کریمی (مله)، علی (۱۳۹۷): «مسائل سیاستی بدخیم و لزوم بازنگری راهبردی در الگوهای سنتی روابط دولت ملت در ایران»، *فصلنامه دولت‌پژوهی*، شماره ۱۵، صص ۳۹-۱.
- کمالی، یحیی (۱۳۹۷): «روش‌شناسی تحلیلی مضمون و کاربرد آن در مطالعات سیاست‌گذاری عمومی»، *فصلنامه سیاست‌گذاری عمومی*، شماره ۲، صص ۲۰۸-۱۸۹.
- *گزارش عملکرد قانون برنامه پنجم توسعه در سال ۹۰*، معاونت برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی رئیس‌جمهور، مرکز اسناد، مدارک و انتشارات.
- *گزارش عملکرد قانون برنامه پنجم توسعه در سال ۹۱*، معاونت برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی رئیس‌جمهور، مرکز اسناد، مدارک و انتشارات.
- *گزارش عملکرد قانون برنامه پنجم توسعه در سال ۹۲*، معاونت برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی رئیس‌جمهور، مرکز اسناد، مدارک و انتشارات.
- *گزارش عملکرد قانون برنامه پنجم توسعه در سال ۹۳*، معاونت برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی رئیس‌جمهور، مرکز اسناد، مدارک و انتشارات.
- *گزارش عملکرد قانون برنامه پنجم توسعه در سال ۹۴*، معاونت برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی رئیس‌جمهور، مرکز اسناد، مدارک و انتشارات.

- گزارش عملکرد قانون برنامه پنجم توسعه در سال ۹۵، معاونت برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی رئیس‌جمهور، مرکز اسناد، مدارک و انتشارات.
- گودرزی، حسین (۱۳۸۴)؛ *گفتارهایی درباره زبان و هویت*، تهران: انتشارات تمدن ایرانی.
- محمدنژادعالی‌زمینی، یوسف (۱۳۹۴)؛ «جهانی‌شدن، زبان و ادبیات فارسی و هویت ملی»، *فصلنامه چالش های جهان*، شماره ۳، صص ۹۱-۱۱۵.
- محمدی، علی (۱۳۹۲)؛ «قابلیت‌های زبان فارسی و موانع جهانی‌شدن آن»، *مجله پژوهش‌های زبان‌شناسی تطبیقی*، شماره ۵، صص ۲۰۵-۲۲۸.
- مسکوب، شاهرخ (۱۳۸۵)؛ *هویت ایرانی و زبان فارسی*، تهران: نشر فرزاد.
- میرمحمدی، داوود (۱۳۸۳)؛ *گفتارهایی درباره هویت ملی در ایران*، تهران: انتشارات تمدن ایرانی.
- نصری، قدیر (۱۳۸۷)؛ *میانی هویت ایرانی*، تهران: انتشارات تمدن ایرانی.
- ناظمی، امیر (۱۳۹۷)؛ «سیاست زبان در جمهوری اسلامی ایران: پیشنهادهای سیاستی در خصوص زبان و زبان‌آموزی»، *فصلنامه مطالعات راهبردی سیاست‌گذاری عمومی*، شماره ۲۶، صص ۲۵۰-۲۴۱.
- وحید، مجید (۱۳۹۵)؛ *سیاست‌گذاری عمومی*، تهران: انتشارات میزان.
- Australian Public Service, (2007); *Tackling Wicked Problems, A Public Policy Perspective*, Policy Paper.
- Balint, Peter J and et al (2011); *Wicked Environmental Problems; Managing Uncertainty and Conflct*, Washington, Island Press.
- Buchanan, Richard (1992); "Wicked Problems in Design Thinking", *Design Issues*, Vol. 8, No. 2, 5-21.
- Horst W. J. Rittel and Melvin M. Webber (1973); "Dilemmas in a General Theory of Planning", *Policy Sciences*, Vol. 4, No. 2, 155-169.
- Roberts, N. (2000); "Wicked Problems and Network Approaches to Resolution". *International Public Management Review*, no. 1, pp. 1-19.
- Termeer, J. A. M. Catrien etal (2015); "Governance Capabilitiesfor Dealing Wisely with Wicked Problems", *Administration & Society*, 2015, Vol. 47(6) pp. 680 - 710.

